

حق حبس مهریه زوجه در حقوق موضوعه

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵)

محسن علی نژادی^۱

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

زهرا علی نژادی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

چکیده

یکی از کاربردی ترین موضوعات مهم مبحث نکاح، حق حبس زوجه است. که برای زوجه یک امتیازی در جهت استیفای مهر مهیا می شود که به موجب آن، زوجه حق دارد از عمل و وظایف زناشویی خود داری نماید، بدون آنکه این عمل او نشوز محسوب شود و از این طریق زوج را در پرداخت مهر تحت فشار بگذارد. حق حبس علاوه بر اجماع فقها در نکاح که یک عقد معاوضی یا شبه معاوضی است و در حق حبس تفاوتی بین تمکین عام و خاص ندارد، و زن در صورت حال بودن مهر می تواند تا مهر به او تسلیم نشده است از ایفاء مطلق وظایفی که شرعاً و قانوناً در مقابل شوهر دارد امتناع نماید. در صورتی که مهریه زن عندالمطالبه باشد، اعسار شوهر و عجز او مانع از استفاده زن از حق حبس نمی شود. اگر زن به میل و اراده خود بخواهد برای یکبار تمکین به معنای خاص کند دیگر نمی تواند از حق حبس خود استفاده نماید، حق حبس زن مختص به قبل از نزدیکی است و بعد از نزدیکی زن دیگر نمی تواند از حق حبس خود استفاده نماید.

واژگان کلیدی: مهریه، حق حبس، الزام، تمکین، وظایف زوجیت

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: کلیات

از موضوعات مهم و کاربردی حقوق خانواده مسئله «حق حبس» زوجه برای استیفای مهر است که به موجب آن، زوجه حق دارد از عمل به وظایف زناشویی خودداری نماید و از این طریق زوج را در مورد پرداخت مهر تحت فشار بگذارد. با تحقق عقد نکاح، رابطه زوجیت بین طرفین ایجاد و آثار فراوانی مقرر می شود. مهریه از جمله آثار مالی عقد نکاح محسوب می شود. زن به مجرد عقد نکاح مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن انجام دهد. در قانون هم قانونگذار در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی این نظر را انعکاس داده است. بنابراین زوجه حق دارد که پس از عقد، مهرتعیین شده را در صورتی که حال باشد مطالبه نماید از سوی دیگر، امکان دارد که زوج از پرداخت مهریه امتناع کند و آن را به همسرش تسلیم نکند. در مورد حق حبس، مباحث گوناگونی قابل طرح است و مسائل متعددی راجع به آن وجود دارد. قانون راجع به بعضی از این مباحث و مسائل حکم روشنی ندارد و بعضی تعبیّرات به کار گرفته شده نیز با مبانی فقهی همخوانی ندارد. از این رو، بر آن شدیم تا با نقد و بررسی مقررات قانون مدنی در خصوص حق حبس زوجه و تطبیق آن با مبانی فقهی ابهامات پیرامون آن پاسخ دهیم حال در این مقاله این سوال قابل تصور است: حق حبس در چه صورتی برای زوجه قابل تصور است؟ در صورت فراهم شدن حق حبس آثار آن چیست؟ در پاسخ به قسمت اول سوال باید گفت: حق حبس در صورتی قابل تصور است که عقد نکاح دائم بین زوج و زوجه محقق شده باشد، مهریه زوجه باید حال باشد نه مؤجل و زوجه طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی قبل از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد می تواند تا مهر به او تسلیم نشده است، از ایفاء وظایفی که در مقابل زوج دارد، امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود. این حق تا زمانی قابل اجرا است که زوجه با اراده خود تمکین نکرده باشد در صورتی تمکین حتی برای یک بار بصورت خاص زوجه دیگر چنین حقی نخواهد داشت. در پاسخ به قسمت دوم سوال باید گفت: زوجه را نمی توان به هر حال ملزم به تمکین خاص و ایفاء سایر وظایف زناشویی کرد. عدم تمکین زوجه در حق



حبس را نمی توان ناشزه نامید. در صورت تقسیط پرداخت مهریه حق حبس زوجه تا پایان دریافت تمامی اقساط به قوت خود باقی می ماند. و زوجه مستحق نفقه خواهد بود.

بخش دوم: بررسی و شناخت ماهیت مهریه

ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی مقرر می دارد: « هر چیزی را که مالکیت داشته باشد و قابل تملک نیز باشد می توان مهر^۱ قرار داد». اندازه خاصی از جهت کمی و یا زیادی در مهر معتبر نیست، اما کراهت دارد مهر را بیش از مهر السنه، که پانصد درهم معادل پنجاه مثقال شرعی طلا است قرار داد. (شهید اول، ۱۳۹۵، ۷۷). هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می توان مهر قرار داد و به آن صداق یا «بُضع» نیز گفته می شود. هر آنچه را که مسلمان مالکش می شود، صحیح است که مهر قرار داده شود؛ عین باشد یا دین یا منفعت، عین مملوکی از قبیل خانه یا حیوان می توان آن را مهر قرار داد. (امام خمینی، ۱۳۸۴، ۴۳۷). مهر یا صداق به معنای آن است که مرد به واسطه ازدواج می خواهد صداقت و علاقه خود را به زن نشان دهد و هدیه ای «مهر» را به او می دهد.

بند اول: بررسی حق حبس

یکی از مواردی امتناع زوجه از تمکین^۲ حق امتناع زوجه از تمکین تا وصول مهریه می باشد. طبق ماده ۳۷۷ قانون مدنی که اشعار میدارد: « هر یک از بایع و مشتری حق دارد حق حبس» از تسلیم مبیع یا ثمن خود داری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود مگر این که مبیع یا ثمن مؤجل باشد در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود». این حق که در ماده ۳۷۷ ق.م. آمده حق حبس مبیع و ثمن است. و باید برای حق حبس سه فاکتور موجود باشد. ۱- عقد معوض باشد. ۲- دو تعهد ایجاد شود، مثل « مشتری تعهد به دادن ثمن و فروشنده تعهد به تسلیم مبیع دارد». ۳- هر دو تعهد حال باشند، که در اینجا طرفین حق حبس دارند و هر دو طرف می توانند اجرای تعهدش را منوط به اجرای تعهد طرف مقابلش کند، حق حبس شبیهه گر و کشی است. حق حبس فقط مختص عقد بیع نیست و شامل

1- Gift of marriage.

2- allegiance.



تمام عقود معوض می شود. لذا حق حبس در عقود غیر معوض، راهی ندارد. حال اگر یک تعهد حال باشد و دیگری مؤجل باشد و آنکه تعهدش حال است، تعهدش را عمداً انجام ندهد تا موعد تعهد مؤجل برسد، در اینجا تعهدی که مؤجل است حق حبس دارد. اما تعهدی که مال بوده و تأخیر کرده است حق حبس ندارد. (اسدی، ۱۳۹۵، ۷۳). در مواردی که برای فروشنده یا خریدار امکان تسلیم مبیع یا ثمن نباشد، مفاد ماده ۳۷۷ قانون مدنی و حبس تعهد مقابل آن قابل اجراء است. و در فرضی که هر دو طرف اجبار یکدیگر را از دادگاه بخواهد و هر دو به حق حبس استناد کنند، باید هر دو را اجبار کرد و در موقع اجرای حکم و تسلیم، در صورتی ثمن به فروشنده داده شود که او مبیع را در اختیار نماینده دادگاه گذارده باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۳۲). در صورتی که موعد تسلیم مبیع و ثمن در یک زمان باشد «مانند سه ماه بعد از عقد» اجرای حق حبس ممکن است. هر زمان که دادگاه یا اجرای ثبت به درخواست مدیون قرار اسقاط یا مهلت عادلانه بدهد، حق حبس ساقط نمی شود. اگر ثمن نقد به تأخیر افتد تا موعد تسلیم مبیع فرا رسد، خریدار حق ندارد تسلیم ثمن را موقوف به قبض مبیع کند، زیرا بر طبق مفاد قرارداد تادیه ثمن باید مقدم بر تسلیم مبیع باشد. (کاتوزیان، ۱۳۳۳، ۱۳۸۴). در صورتی که تسلیم مبیع حال و ثمن مؤجل باشد، اگر فروشنده از تسلیم خود داری کند تا موعد ثمن فرا رسد، خریدار می تواند از دادن ثمن به استناد حق حبس خود داری کند و هم چنین است در فرضی که ثمن نقد و مبیع مؤجل است. در دوران اجرای حق حبس به وسیله فروشنده، هزینه نگهداری مبیع بر عهده خریدار است. ماده ۳۷۸ قانون مدنی مقرر میدارد: «اگر بایع قبل از اخذ ثمن، مبیع را به میل خود تسلیم مشتری نماید حق استرداد آن را نخواهد داشت مگر به موجب فسخ در مورد خیار». طبق این ماده اگر بایع به میل خودش مبیع را بدهد حق حبس ندارد و دیگر نمی تواند مبیع را پس بگیرد. هر گاه یکی از طرفین به میل خودش تعهد خودش را به جابیاورد حق حبس از او ساقط می شود اما اگر اجرای تعهد بر اثر اشتباه یا اکراه صورت بگیرد این امر موجب سقوط حق حبس نمی شود. شوهر حق ندارد شرط بگذارد و بگوید پرداخت مهریه موقوف به تمکین زن باشد. (اسدی، ۱۳۹۵، ۷۴). درخواست تسلیم مبیع یا ثمن به معنی اسقاط حق نیست، زیرا اجرای حق



نیز وسیله ای برای اجبار طرف مقابل به تسلیم است. ولی، فسخ بیع باعث انحلال عقد و سقوط حق حبس است. پس، در مقام بازگرداندن دو عوض، هیچ یک از دو طرف حق حبس مالی را که از دیگری در تصرف دارد نخواهد داشت. هرگاه تسلیم ناشی از اکراه یا اشتباه باشد، حق حبس از بین نمی رود. (امامی، ۱۳۸۳، ۵۲۳).

بند دوم: شناخت ماهیت تمکین، و انواع آن

تمکین، یکی از آثار غیر مالی مترتب بر عقد نکاح است. حسن معاشرت، معاضدت و برقراری رابطه زناشویی در حد متعارف از مصادیق تمکین میباشند. در فقه و مدنی فقهاء گفته اند مراد از تمکین آنست که تخلیه کند «یعنی آزاد گذارد» میان خود و شوهر در هر جا و در هر حال خود را بدست او دهد مگر در مواردی که قانون او را معذور شمرده است مثل ایام حیض و احرام و مرض مانع تمکین. معذالک قضیه تابع عرف ازمنه و امکانه و اقوام است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۱۷۸). تمکین به معنی عام آن است که زن وظایف خود را نسبت به شوهر انجام دهد و از او در حدود قانون و عرف اطاعت کند و ریاست شوهر را در خانواده بپذیرد. مشهور فقهاء عقیده دارند که زن در مقام اعمال حق حبس، تنها می تواند از تمکین خاص خودداری کند و حق امتناع از تمکین عام را ندارد. مطابق رای وحدت رویه شماره ۷۱۸ مورخه ۱۳۹۰/۰۲/۱۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور که به زن حق داد تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء مطلق وظایفی که در مقابل شوهر دارد (تمکین عام و خاص)، امتناع نماید. در طلاق قبل از نزدیکی به حکم ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی زن مستحق نیمی از مهر است. جالب تر آنکه، در صورت فوت احدی از زوجین قبل از نزدیکی، زوجه مستحق تمامی مهرالمسمی تعیین شده خواهد بود که حسب مورد به وی یا اولیای دم او پرداخت خواهد شد. تمکین به معنی خاص آن است که زن نزدیکی جنسی با شوهر را به طور متعارف بپذیرد. (امامی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۴۰). همانطور که گفتیم تمکین خاص زوجه به معنای نزدیکی با شوهر است. واژه نزدیکی از واژه های کنایی است که در مورد دخول به کار می رود و همان طور که برخی از حقوقدانان نیز اشاره نمودند فرقی نیست که دخول در قبل باشد یا دبر، زیرا عرفاً به هر دو، دخول و نزدیکی گفته می شود. اکثر فقهای امامیه بر این عقیده اند که نزدیکی و وطی



مسقط حق حبس است؛ زیرا وطی و نزدیکی در نکاح، به منزله قبض بضع است. پس تسلیم بضع از سوی زوجه در زمانی تحقق می یابد که نزدیکی صورت گرفته باشد.

بند سوم: بررسی عدم تمکین

عدم تمکین در اصطلاح حقوقی نشوز، و زنی که از شوهر خود اطاعت نمی کند ناشزه نامیده میشود، نشوز در اصطلاح حقوقی نافرمانی و عدم ایفاء وظایف زناشویی یکی از زوجین است. هرگاه وظیفه شناسی از هر دو طرف باشد، آن را شقاق نامیده اند. (محقق اول، ۱۹۸۳، ۱۷۳). به اعتقاد برخی فقها فقط تمکین خاص مشمول حق حبس می شود. در قانون کشور ما در خصوص اینکه منظور از تمکین در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، کدام یک از انواع تمکین بوده، ساکت است اما برخی از فقها اعتقاد دارند که فقط تمکین خاص مشمول حق حبس می شود. بر اساس این نظر فقها، زن باید همواره از شوهر خود، تمکین عام کند اما می تواند تمکین خاص را در رابطه با حق حبس انجام ندهد. در عقد بیع نیز خریدار و فروشنده هم می توانند از حق حبس برای خود استفاده کنند. در رای وحدت رویه ۷۱۸ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۳ بین تمکین بین تمکین به معنای عام و خاص در این رابطه فرق نگذاشته و زوجه در صورت حال بودن مهر می تواند تا مهر به او تسلیم نشده است از ایفاء مطلق وظایفی که شرعاً و قانوناً در مقابل زوج دارد امتناع نماید. حکم این ماده یک قاعده تکمیلی است و مرد می تواند این حق حبس را با توافق و رضایت زوجه از او بگیرد و ساقط نماید. (اسدی، ۱۳۹۵، ۶۳). آیا زوج هم می تواند از پرداخت مهریه خود داری کند و از حق حبس برخوردار شود. در این رابطه نیز قانون ساکت است. اما بر اساس نظر فقها، زوج هم می تواند تا زمان تمکین زن، از پرداخت مهریه خود داری کند و یا حداقل انجام هر دو تعهد، در برابر هم باشد. چنانچه مهر در عقد تعیین نشده باشد یا عدم تعیین مهر شرط شده باشد، زن نمی تواند تا تعیین و تسلیم مهر، از تمکین امتناع کند. (صفایی، ۱۳۹۰، ۱۶۴، ۱۶۵). در حقیقت، فقها بر این اعتقادند که زوج باید مهریه همسر خود را به فردی امین و مورد اعتماد هر دو طرف بسپارد تا به محض اعلام تمکین از سوی او به فرد ثالث، مهریه سپرده شده توسط امین به زوجه پرداخته شود.

بخش سوم: موارد سقوط حق حبس

(الف) موجل بودن تعهد یکی از طرفین.

(ب) تسلیم اختیاری عوض.

(پ) شرط سقوط حق حبس ضمن عقد.

این حق برای هر دو طرف معامله است و هر دوی آنها به طور مساوی از چنین حقی برخوردارند. در صورتی که مبیع و ثمن مؤجل باشد و موعد تسلیم هر دو یک زمان باشد، مثلاً یک ماه پس از وقوع عقد، حق حبس وجود دارد. (رضا زاده پاشا، ۱۳۹۶، ۲۷۶). مشابه این حق در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی توسط قانونگذار برای زوجه قرار داده شده است که حق حبس نام دارد. بر اساس این ماده، زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده است، از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود. حق حبس در تمام اقسام مبیع اعم از عین معین، کلی در معین و کلی فی الذمه قابلیت اجرا دارد. طبق نظر دکتر کاتوزیان، حق حبس اختصاص به عقد بیع ندارد و در کلیه عقود معوض مانند اجاره، معاوضه و صلح معوض نیز ثابت می‌شود. (رضا زاده پاشا، ۱۳۹۶، ۲۷۶).

بند اول: اسقاط حق حبس زوجه

اگر زوجه فقط یکبار تمکین کند و بخواهد از حق حبس خود استفاده نماید، حق حبس او ساقط می‌شود و دیگر نمی‌تواند از حق حبس خود استفاده نماید. قانونگذار در ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی اشعار میدارد: «اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمی‌تواند از حکم ماده قبل استفاده کند معذالک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد». ماده فوق در این مورد است که اگر زوجه یک بار تمکین کند آیا باز هم می‌تواند از حق حبس خود استفاده کند یا نه، بر اساس این ماده، اگر زن یک بار از همسرش تمکین کرد، دیگر حق حبس نخواهد داشت. این در حالی است که بر خلاف حکم قانونگذار در ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی، و نظر برخی فقها از جمله شیخ طوسی، در این زمینه متفاوت است و اعتقاد دارند که تمکین، حقی مستمر است و با یک بار تمکین، حق



حبس زوجه ساقط نمی‌شود. این حق که از آن در کتب حقوقی، به عنوان «حق امتناع زوجه» (محقق داماد، ۱۳۸۷، ۲۴۲). یا «حق حبس» یاد شده است، پشتوانه ای شرعی داشته و مورد تأیید و تصریح اکثر فقهای امامیه قرار گرفته است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳۶۹). این حق قانونی ایجاد شده با رضایت ذی حق یا به حکم قانون ساقط می‌شود. پس چنانچه زن مکره به تمکین شده باشد، موجب سقوط حق حبس نخواهد شد. همین که زن اراده و رضایت خود مبنی بر تمکین را اعلام نماید، ولو آنکه نزدیکی صورت نگیرد موجب سقوط حق حبس خواهد بود. (صفایی، ۱۳۹۰، ۱۶۵).

بند دوم: اسقاط حق حبس زوج

یکی از موارد از بین رفتن حق حبس زوج زمانی است که قبل از تمکین زوجه، مرد مهریه زن را به او پرداخت کرده باشد. همچنین است اگر زن قبل از دریافت مهر تمکین کند حق حبس را از خود سلب کرده است. دکتر امامی حق حبس مرد را در دو مورد ساقط شده دانسته است. اولاً آنجا که شوهر قبل از تمکین زن، مهر را به او بپردازد. ثانیاً موردی که برای تمکین زن مهلت قرار داده باشند. تمکین زن مهلت قرار داده باشند. همانند مهر مؤجل که در آن جا حق حبس زن ساقط می‌شود و مهلت قرار دادن در تمکین هم موجب سقوط حق حبس مرد می‌شود. (امامی، ۱۳۹۷، ۱۳۵۷).

بند سوم: حق حبس در مهریه مؤجل

هر گاه قسمتی از مهر حال و قسمتی مؤجل باشد، حق حبس فقط نسبت به قسمتی که حال است، حاصل می‌شود و پس از دریافت آن قسمت دیگر زن نمی‌تواند از ایفاء وظایف زناشویی، سرباز زند. اما اگر مهر مؤجل باشد و زمان آن سپری شود و شوهر در این مدت تمکین نخواست باشد، زن نمی‌تواند پس از حال شدن مهر به حق حبس استناد کند زیرا قصد مشترک طرفین این بوده است که تمکین مقدم بر پرداخت مهر باشد. (امامی، ۱۳۸۳، ۳۹۸). پرداخت مهریه از سوی مرد، در مقابل تمکین قرار گرفته است. اما در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، این قید وجود دارد که مهر باید حال باشد. به این معنا که مهریه نباید مؤجل یا مدت دار باشد. طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی



که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود». طبق ماده فوق چنانچه زوجه بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت، امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود. اما در برخی موارد زوجه میتواند از تمکین در برابر زوج امتناع کند و این امتناع، موجه بوده و او را ناشزه نخواهد کرد. بسیاری از این موارد مبتنی بر قاعده لاضرر است یعنی زوجه برای دفع ضرر از خود، می تواند از تمکین در مقابل زوج خودداری کند. حال اگر مهریه زوجه، یک واحد آپارتمان باشد که پیش خرید شده و حدود دو سال دیگر به خریدار تحویل داده می شود، در چنین شرایطی، زوجه با قبول این مهریه در زمان عقد، حق حبس خود را به طور ضمنی ساقط کرده است. در حقیقت هنگامی که مهریه مؤجل باشد، حق حبس منتفی است. حق حبس، یک قاعده استثنائی و مختص زوجه می باشد و مرد نمی تواند از آن استفاده کرده و پرداخت مهر را منوط به تمکین زن نماید. (بیات و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۷۲). در عقود معوض هر یک از طرفین بعد از قرارداد، حق دارد مالی را که به طرف مقابل منتقل کرده به او تسلیم نکند تا او هم متقابلاً حاضر به تسلیم شود به طوری که در یک زمان تسلیم و تسلّم به عمل آید. در ادبیات حقوقی به این امکان امتناع از انجام تعهد تا ایفای تعهد طرف مقابل در عقود معاوضی، «حق حبس» می گویند.

بند چهارم: حق حبس زوجه در مهریه عندالمطالبه و عندالاستطاعه

قانونگذار در دریافت مهریه، همان حکم را بیان کرده است که در مورد بیع مطرح کرده است. بر اساس ماده ۳۷۷ قانون مدنی: «هر یک از بایع و مشتری حق دارد «حق حبس» از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود مگر اینکه مبیع یا ثمن مؤجل باشد در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود». این موضوع بدین معنا است که هر یک از فروشنده و خریدار می تواند تا زمانی که طرف مقابل، تعهدات خود را انجام نداده است، از انجام تعهد مربوط به خود امتناع کند. هرگاه مهریه زن حال و عندالمطالبه باشد، و شوهر ندار و معسر باشد در این حالت باز هم زوجه می تواند از حق حبس خود استفاده کند. اما در صورتی که مهریه زوجه عندالاستطاعه باشد پرداخت مهریه زوجه منوط به دارایی مرد است. (اسدی، ۱۳۹۵، ۶۳). حق حبس از مصادیق حقوق عینی بوده «حقی که



مستقیماً نسبت به مال معین قابل اعمال باشد» و ابزاری، جهت تضمین وصول طلب است. حق حبس اختصاص به عقد بیع نداشته و اصولاً از قواعد عمومی عقود معاوضی است. حق حبس، یک قاعده استثنائی و مختص زوجه می باشد و مرد نمی تواند از آن استفاده کرده و پرداخت مهریه را منوط به تمکین زن نماید. (صفایی، ۱۶۴، ۱۳۹۰).

بخش چهارم: شرایط حق حبس مهریه زوجه

در عقود معوض هر یک از طرفین بعد از قرارداد، حق دارد مالی را که به طرف مقابل منتقل کرده است، به او تسلیم نکند تا او هم متقابلاً حاضر به تسلیم شود، در اصطلاح حقوقی به این امتناع از انجام تعهد تا ایفای تعهد طرف مقابل در عقود معاوضی «حق حبس» می گویند، مشابه چنین حقی در روابط زناشویی هم پیش بینی شده به طوری که زن می تواند تا مهریه را دریافت نکرده، از تمکین در برابر شوهر خودداری کند. به طوری که در یک زمان تسلیم و تسلّم به عمل آید. اگرچه ماهیت عقد نکاح، یک عقد غیرمعوض است اما بر اساس این عقد، هر یک از زوجین تکالیفی در برابر یکدیگر دارند، شوهر بدهکار مهریه است و باید نفقه همسر خود را به موقع پرداخت کند و زن هم باید در برابر شوهرش، از وی تمکین کند. حالا اگر زن بخواهد که مهریه خودش را فوری دریافت کند، می تواند انجام تعهدات و وظایفش را تا زمان دریافت مهریه اش به تاخیر بیندازد. مهریه حال باشد. برابر ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی مهر می تواند کلاً یا جزئاً حال یا به وعده باشد اگر مهر مدت دار باشد زمانی زوجه حق مطالبه آنرا دارد که مدت سپری گردد و چون از زمان عقد نکاح، زوج مجاز است که ایفای وظایف زناشویی را از زوجه طلب کند، زوجه نمی تواند از حق حبس خود استفاده کند. اما در فرضی که زوج از زوجه طلب ایفای وظایف زناشویی را ننماید و زمان پرداخت مهریه فرا رسد زوجه خواهد توانست از حق حبس خود تا استیفای مهرش استفاده کند. در صورتی که مهر وعده دار نباشد چون به موجب ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی به محض وقوع عقد نکاح، زوجه مالک مهر می شود، و اگر مهر وجه نقد باشد می تواند آنرا مطالبه کند و تا زمانی که زوج آن را تادیه ننماید می تواند از حق حبس خود استفاده کند. زوجه قبل از گرفتن مهریه به ایفای وظایف زناشویی اقدام نکرده باشد. برابر ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی، چنانچه زوجه قبل از گرفتن مهریه به اختیار و



اراده خود از زوج، تمکین خاص نماید، حق حبس وی ساقط گردیده و دیگر مجاز به امتناع از تمکین و سایر وظایف اگر زن قبل از اخذ مهریه به اختیار خود به ایفای وظایف زناشویی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمی تواند از حکم ماده قبل استفاده کند مع ذالک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد. زوجه تا دریافت کل مهریه مکلف به تمکین خاص و ایفاء وظایف زناشویی نیست. در صورت تقسیط مهریه حق حبس زوجه تا اتمام پرداخت اقساط باقی می ماند. حق حبس زن، در مواردی قابل اعمال است که زن، هنوز با شوهر همخوابگی نداشته و باکره است. اعمال حق حبس به منظور وصول مهریه از سوی زن انجام می پذیرد و می تواند موجبی برای سوء استفاده مالی از مرد باشد. هر چند، حق حبس زن، حکمی تاسیسی از سوی شارع است اما از حقوقی است که می تواند، دستمایه فریب و سوء استفاده از مردان نیز قرار گیرد. زمانی که دو فرد با یکدیگر ازدواج می کنند، حقوق و تکالیفی نسبت به یکدیگر دارند از جمله حق معاشرت صحیح و رعایت احترام و اخلاق حسنه از سوی زوجین. اما حقوقی اختصاصی و نیز تکالیفی اختصاصی برای هر یک از زن و مرد نهاده شده و طرفین مکلف به رعایت آنها می باشند.

بند اول: آثار حق حبس مهریه زوجه

زمانی که زوجه از حق حبس خود استفاده می کند امتیازهای زیر برای وی حاصل می

شود:

- ۱- زوجه را نمی توان ملزم به تمکین خاص و ایفای سایر وظایف زناشویی کرد.
- ۲- در صورت تقسیط پرداخت مهریه حق حبس زوجه تا پایان دریافت تمامی اقساط به قوت خود باقی می ماند.
- ۳- زوجه مستحق نفقه خواهد بود.
- ۴- در صورت خودداری زوج از پرداخت نفقه، زوجه حق شکایت کیفری از زوج خواهد داشت.

به همین جهت در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد... دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه به



مجازات حبس محکوم می نماید». یکی از نمونه‌های حق حبس در فقه اسلامی، حق حبس زوجه است که بر اساس آن زن حق دارد تا زمان تحویل مهریه از آمیزش جنسی با شوهرش خودداری کند، چنین حقی در نکاح ناشی از طبیعت معاوضی یا شبه معاوضی است یا در حکم معاوضه ازدواج در حقوق اسلامی است. بعضی فقها که نکاح را در زمره معاوضات قرار داده‌اند. این حق را برای شوهر هم به رسمیت شناخته‌اند. به این معنی که تا زمان رضایت زن به نزدیکی از پرداخت مهریه خودداری کند. در مورد حق حبس نظرات مختلفی مطرح شده است. برخی آن را «مقتضای اطلاق عقد» دانسته‌اند به این معنی که هر یک از دو طرف عقد موظف است مورد معامله را به دیگری واگذار کند و از آن‌جا که وظیفه هیچ یک بر دیگری برتری ندارد در صورتی که یکی از طرفین از تسلیم حق دیگری خودداری کند برای دیگری هم چنین حقی ایجاد می‌شود. در ازدواج موقت، حق حبس برای زن وجود ندارد. چرا که فلسفه صیغه و ازدواج موقت، رابطه زناشویی و تمکین به معنی خاص است. حق حبس زن، فقط در ازدواج دائم تشریح و تقنین شده است و تسری به ازدواج موقت ندارد.

نتیجه گیری

حق حبس یکی از حقوق زوجین بوده و قانونگذار و فقها آن را در خصوص زوجه مطرح کرده‌اند. و با وحدت ملاک می‌توان آن را به زوج هم سرایت داد طبق نظر مشهور فقها مرد هم به نظر عده ای از فقها و حقوق دانان دارای حق حبس است و می‌تواند تسلیم مهر را موکول به تمکین زن نماید که در صورت اختلاف مهر باید نزد حاکم یا شخص موثقی تودیع شده تا پس از تمکین به زوجه تسلیم شود. با تمکین زوجه از زوج حق حبس گرفتن مهریه او زایل می‌شود، ولی حق زوجه در مطالبه مهر به جای خود باقی است. حق حبس از نظر فقهی زمانی ایجاد می‌شود که مهر در ضمن عقد نکاح تعیین شده و حال باشد. حق حبس نمی‌تواند دائمی باشد و به هر حال باید این گروه کثی پایان یابد. حق حبس این اختیار را به صاحب آن می‌دهد که برای وادار ساختن طرف مقابل به انجام تکلیفی که برابر او دارد، تا زمان ادای تکلیف از حق حبس خود استفاده نماید. اجبار زن به تسلیم خود، مسقط حق حبس زوجه نمی‌باشد. در مهر مؤجل زوجه حق حبس ندارد، تا از وظایف خود در مقابل شوهر استنکاف کند



تا مهر حال شود. و اگر زوجه تمکین ننمود تا مهر حال شد، حق حبس وی ساقط می شود و زوجه موظف به تمکین می باشد. با توجه به موضوع حق حبس زوجین در مقابل یک دیگر نمیتوان وجود حق حبس را در عقد نکاح سست کننده اساس و بنیان استوار زندگی زناشویی دانست زیرا حق حبس به عنوان ضمانت اجرای پرداخت مهر به زن و تمکین زن از مرد است و نباید لطمه ای به فلسفه اصلی عقد نکاح وارد کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲۳۹



منابع و مأخذ

- ۱- امام خمینی، ۱۳۸۴، قانون مدنی و فتاوی امام، تحقیق عبد الله کیائی، چاپ اول، جلد دوم
- ۲- امامی، حسن، ۱۳۵۷، حقوق مدنی، جلد چهارم، چاپ ششم، انتشارات اسلامیة.
- ۳- امامی، حسن، ۱۳۸۳، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ بیست و چهارم، انتشارات اسلامیة.
- ۴- امامی، حسن، ۱۳۸۳، حقوق مدنی، جلد چهارم، چاپ هفدهم، انتشارات اسلامیة.
- ۵- اسدی، بهنام، ۱۳۹۵، حقوق یار حقوق مدنی، جلد چهارم، چاپ دوم، انتشارات قانون یار.
- ۶- اسدی، بهنام، ۱۳۹۵، حقوق یار حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ سوم، انتشارات قانون یار.
- ۷- جعفری لنگرودی جعفر، ۱۳۸۸، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیستم، کتابخانه گنج دانش
- ۸- شهید اول، ۱۳۹۵، لعمه دمشقیه، ترجمه علی شیروانی، چاپ پنجاه و پنجم، انتشارات دار الفکر.
- ۹- شهید ثانی، زرین الدین بن علی بن احمد عاملی، ۱۴۱۳، مسالک الافهام، جلد هشتم، محقق مصحح: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۱۰- صفایی، سید حسین - امامی، اسدالله، ۱۳۸۳، مختصر حقوق خانواده، چاپ چهل و دوم، ویرایش پنجم با تجدید نظر کامل، تهران، انتشارات نشر میزان.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۴، عقود معین، جلد اول، چاپ نهم، انتشارات اسلامیة.
- ۱۲- محقق اول، ابولقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، ۱۹۸۳م، شرائع الاسلام، چاپ سنگی عبدالرحیم، چاپ جدید افست از روی چاپ بیروت، جلد دوم، ش.

